

جهانگردی من را با زیبایی های آفرینش آشنا کرد

گفت و گو با بانوی جهانگردی که از آغاز هفته دفاع مقدس، پیاده روی ۳ ساله دور دنیا را با شعار «به نام عشق، دوستی و صلح جهانی» شروع کرد

صادق جهانی | خبرنگار

پرونده

سفر و گردشگری یکی از بهترین و ماندگارترین رویدادهای زندگی هر انسانی محسوب می شود و به قول سعدی «بسیار سفر باید تا پخته شود خامی». بیشتر انسان ها منتظر پیش آمدن تعطیلاتی هر چند کوتاه مدت هستند که به بهانه آن کوله بار سفر را ببندند، با اعضای خانواده یا دوستان خود در طبیعت سیری کنند و لحظات و اوقات خوشی را برای خود و عزیزان شان رقم بزنند. در این بین کسانی هم هستند که به صورت تخصصی و حرفه ای به گردشگری و جهانگردی می پردازند و علاوه بر سیر و سیاحت، اهداف بلند تر و مهم تری از جمله آشنایی با مردمان، تمدن و فرهنگ ملت ها را دنبال می کنند و در کنار این اهداف، پیام صلح، دوستی و مودت را به نمایندگی از کشور شان به جهانیان می رسانند. همه این حرف ها گفته شد تا به سراغ «پویه مهدوی نادر»، بانوی جهانگرد ایرانی و سفیر صلح برویم که ۳۱ شهریور روز آغاز هفته دفاع مقدس طرح جدید خود به نام پیمایش جاده صلح ۲۰۲۰ را آغاز کرده است. سفری که بنا بر برآوردها «مهدوی»، حداقل نزدیک به سه سال زمان نیاز دارد و البته خطراتی مانند کرونا هم ممکن است شکل کلی آن را دستخوش تغییراتی کند، همان طور که در نخستین گام، چیزی نزدیک به شش ماه این سفر را به تعویق انداخت؛ سفری که قرار بود در فروردین امسال آغاز شود، به دلیل همه گیری کرونا به پایان تابستان منتقل شد و حالا قرار است از ترکیه آغاز شود و به اروپا ادامه پیدا کند تا اگر کرونا امان دهد، بقیه مسیرش را به سر تاسر دنیا ادامه دهد. در پرونده امروز زندگی سلام به بهانه ۶ مهر (۲۷ سپتامبر)، روز جهانی جهانگردی، با این بانوی جهانگرد گفت و گویی داشته ایم که در ادامه خواهید خواند. بانویی که چندین بار در صحبت هایش اشاره کرد که در این سفرها، پروتکل های بهداشتی را با دقت و حساسیت رعایت خواهد کرد.

۳۵۰ دلار قرض گرفتم برای سفر قبلی ام به دور دنیا

به احتمال زیاد تا این جا برای تان سوال پیش آمده که خانم «مهدوی نادر» باید یک خانم پولدار باشد که چنین تصمیمی گرفته است. خودش به این سوال پاسخ می دهد: «من ثروتمند نیستم و هزینه سفرهایم که با هدف رساندن پیام صلح صورت می گیرد، توسط حامیان مالی تامین می شود. زمانی هم که در ۲۳ سالگی به سفر دور دنیا رفتم، ۳۵۰ دلار از دوستانم قرض کردم. پیش بینی ام از مدت سفر فعلی سه سال بود ولی به خاطر ویروس کرونا قطعاً نمی توانم در بازه زمانی سه ساله این سفر را به پایان برسانم، بنابراین نمی توان تاریخ دقیقی برای پایان آن متصور شد. هر جا بینم مرز کشوری بسته است، دوباره به ایران برمی گردم و باز شدن مجدد مرزها از آخرین نقطه ای که سفر را به پایان رساندم، مسیر صلح را ادامه خواهم داد. یک علت سفرم در این برهه زمانی این است که اعلام کنم که جهان در مقطع کنونی بیشتر از هر زمان دیگری به امید، عشق و محبت و امنیت نیاز دارد. کرونا باعث از بین رفتن فقر نشد، جنگ را متوقف نکرد، تحریم ها را متوقف نکرد و می خواهم در این مقطع زمانی هم حامل پیام صلح و دوستی باشم.»

یک دزد در فرانسه را با یک مشت تار و مار کردم

«من همیشه برای سفرهایم چهار چوب مشخصی را تعیین می کنم». «مهدوی نادر» با این مقدمه راجع به ویژگی های سفرهایش به نکات خوبی اشاره می کند: «اول این که قبل از غروب آفتاب جای خواب و استراحت شبم را مشخص می کنم و دوم این که در هر مسیری وار دمی شوم و حتی در سفر دور دنیا هم که با دو چرخ انجام دادم، فقط راه اصلی را ر کاب می زدم. لازم می دانم به نکته مهم دیگری در سفرهایم بپردازم و آن خالی کردن ظرف دلم از قضاوت پیش داوری است و با ظفر خالی از پیش داوری به کشور های دیگر سفر می کنم به همین دلیل بهترین مردم دنیا به سراغم می آیند و همه این موارد باعث امنیت در طول سفر می شوند. با این حال، زمانی که در شهر مارسای فرانسه بودم، یک نفر می خواست کیف کمری من را بدزد، اما از آن جا که من با ورزش های رزمی و دوره های دفاع شخصی آشنایی داشتم، فقط با یک مشت او را روی زمین انداختم و او هم از این کار خود، منصرف شد.»

۳ خاطره خواندنی از سفرهایم

«مهدوی نادر» در پایان صحبت هایش، چند خاطره شیرین از سفرهایش به دور دنیا را هم برای ما روایت می کند: «به یاد دارم در شش ماه اول سفرم به دور دنیا، پول کم آوردم و در یکی از روز ها به یک ساحل در دریای مدیترانه در ایتالیا رسیدم و از آن جا که من خیلی عاشق بستنی هستم، تصمیم گرفتم یک بستنی بخرم اما پولم صرفاً کفاف نصب چادر اسکانم در کمپینگ را می کرد. با خودم فکر می کردم که با پول باقی مانده بستنی بخورم یا آن را صرف نصب چادر بکنم. بالاخره تصمیم گرفتم و یک بستنی شکلاتی توت فرنگی خریدم و خوردم که در همین حین دو نفر آمدند و عکس هایی را که با دوربین گرفته بودم با این پول، علاوه بر فروش این دو عکس ۳۰ یورو به دست آوردم و با این پول، علاوه بر هزینه چادر، قسمتی دیگر از مخارج سفرم تامین شد. خاطره دیگرم مربوط به پارک لوکزامبورگ در پاریس بود. در آن جا افراد کارهای هنری خود را به معرض نمایش می گذاشتند و من هم دو چرخه و پرچم سفید همراه خود را که به نشانه صلح همراهم بود به پارک بردم. در همین حین یک آقای فرانسوی نزد من آمد و شروع به گریه کرد. از او پرسیدم، چرا گریه می کنی؟ او گفت، به خاطر این که سال ها پیش وقتی پسر جوانی بودم، تی شرتی پوشیدم و روی آن نوشته «به خاطر صلح» و با یک کوله پشتی به دور دنیا سفر کردم. تو من را یاد خودم انداختی. خاطره آخر هم که برای من جالب بود این که همه مردم کشور های مسلمان به رسم کشورهای عرب، زمان خداحافظی خود مثل زمان سلام کردنشان می گویند «سلام علیکم» و ولی اهالی کشمیر هندوستان، زمان خداحافظی مثل ما ایرانیان می گویند «خداحافظ». علتش را که جویا شدم گفتند، ما کشمیری ها از زمان شیخ الرئیس ابوعلی سینا، بعضی از رسوم ایرانیان را اقتباس کرده ایم و از جمله آن ها همین عبارت «خداحافظ» است که خیلی برایم جالب بود.

خاطره سفر به مکه را هیچ گاه از یاد نمی برم

ماهیت سفر جهانگردان و اهداف آن ها از جهانگردی صرفاً به سیر و گردش خلاصه نمی شود و اهداف گسترده ای را شامل می شود. این سفیر صلح جهانی در این باره و این که کدام یک از مناطق جهان نظر او را بیشتر جلب کرده، این طور توضیح می دهد: «سفر های من از نوع گردشگری نبوده و از آن جا که در سفرهایم اهداف بشر دوستانه و آشنایی با مردمان و فرهنگ های مختلف را دنبال می کنم، برای برقراری ارتباط با آن ها به خانه هایشان دعوت می شوم. من ارجحیتی بین مناطق مختلف دنیا قائل نیستم چرا که هر منطقه ویژگی خاصی از نظر مختصات فرهنگی، پذیرش مردم و زیبایی طبیعت دارد. قاره اروپا و زیبایی های چشم نوازش، هیمالیادرنپال و شمال کالیفرنیا و... همه و همه زیبا هستند و البته این را هم بگویم که در سال ۸۲ و در حین سفر دور دنیا، خداوند توفیق حج واجب را نصیب من کرد و حس و حال خیلی خوبی از این سفر داشتم و دارم. خاطره سفر به مکه را هیچ گاه از یاد نمی برم.»

فرهنگ گردشگری مهم است نه گردشگر بودن

در صحبت های «مهدوی نادر» دغدغه ای هم به گوش می خورد، دغدغه ای از جنس فرهنگ. او با گلایه از برخی هموطنان که به حفظ طبیعت بی توجه هستند، تذکر می دهد: «تنها گردشگر بودن مهم نیست و باید فرهنگ گردشگری را ارتقا داد و این که افرادی که به قصد گردشگری به شهر ها یا کشورهای دیگر سفر می کنند علاوه بر رعایت اصول زیست محیطی، باید به فرهنگ، چهار چوب باوری و اعتقادات مردم آن مناطق احترام بگذارند.»

ایران یکی از بهترین نقاط گردشگری دنیا است

کشور عزیزمان ایران، به دلیل وجود طبیعت بکر در مناطق مختلف جغرافیایی و آثار و ابنیه تاریخی، از اهمیت گردشگری زیادی برخوردار است. نظر «مهدوی» را در این باره جویا می شوم: «در ایران نقاط گردشگری بسیار زیادی داریم و ایران یکی از بهترین نقاط گردشگری دنیا است. یکی از مزیت های کشور ما این است که چهار فصل را به صورت همزمان دارد. من همانند سواحل چابهار را در هاوایی آمریکا دیدم و هنگامی که به بندر کنار کت رفتیم تصور کردم که دارم در سواحل استرالیا قدم می زنم.»

قدمهایم را برای کارهای خیر خواهانه می فروشم

وی درباره افرادی که تا به حال اقدام به خرید قدم هایش در این طرح کرده اند، می گوید: «یک شخص خیر، اقدام به خرید ۲۰۰ قدم من کرد و با پول حاصل از فروش این ۲۰۰ قدم، اقدام به لوله کشی آب آشامیدنی روستایی در یکی از روستاهای استان سیستان و بلوچستان و احداث حمام و سرویس بهداشتی کردیم. یک آقای ایرانی مقیم کانادا هم به همراه دختر شان، ۶۰۰ قدم دیگر را خریدند که با پول آن، یک کارگاه صنایع دستی در یکی از نقاط محروم بلوچستان را تکمیل کردیم و علاوه بر این، دو آقای دیگر هم هر کدام اقدام به خریداری چهار قدم کرده اند و با شش قدمی هم که به تازگی خریداری شد، در مجموع ۸۱۴ قدم به فروش رفته است. این را هم بگویم که دوست دارم طرح محرومیت زدایی خود را علاوه بر سیستان و بلوچستان در استان های دیگر از جمله خوزستان اجرا و کارگاهی هم برای کولبران مناطق استان کردستان احداث کنم. من همیشه دغدغه زندگی بهتر برای هموطنانم را داشته ام و در سفرهایم همیشه به یادشان هستم. در ضمن به تازگی استانداری و اداره میراث فرهنگی و گردشگری سیستان و بلوچستان، من را به عنوان مبلغ صلح برای شهر سوخته برگزیده اند که به شهر صلح معروف است. از سوی این مسئولان استانی، رسالت مهمی به من واگذار شده و معرفی شهر سوخته به عنوان شهر صلح، قرار است به عنوان سفیر صلح به معرفی شهر سوخته واقع در سیستان و بلوچستان در ایران و جهان بپردازم.»

در سفرم به دور دنیا به رژیم صهیونیستی نمی روم

از این بانوی جهانگرد در باره طرح جدید جهانگردی اش یعنی پیمایش مسیر صلح ۲۰۲۰ که از روز ۳۱ شهریور، آن را از برج آزادی تهران شروع کرده است، می پرسیم که در جواب می گوید: «قصد دارم با قدمهایم، جاده صلح ۲۰۲۰ را ترسیم کنم و در آن به دنبال اهداف خاصی هستم؛ توسعه و پیشرفت و آبادانی ایران و کمک به دیگر مناطق محروم جهان. روز ۳۱ شهریور، اولین قدمهایم را در برج آزادی به ثبت رساندم و مر حله بعدی را از استان بول ترکیه شروع خواهم کرد. در این طرح با سفر به همه کشورهای جهان به جرزیم صهیونیستی و کر شمالی، جاده صلحی را بین دو نماد که یکی از آن ها نماد ملی یک کشور و دیگری، نماد صلح یک کشور است، ترسیم و قدمهایم را با جیبی استیث می کنم و مراد حاصل از فروش شان را صرف آبادانی نقاط محروم ایران و جهان خواهم کرد که نظارت بر خرج کردن هم مستقیماً بر نظر خودم خواهم بود. امیدوارم این حرکت بازتاب جهانی خوبی داشته باشد و مورد استقبال مردم در سراسر این گیتی پهناور قرار بگیرد. در واقع در صد آن هستم که با فروش قدمهایم، ذره ای از محرومیت بعضی خطه ها در ایران و دیگر مناطق محروم دنیا کم کنم.»

در خواب های کودکی ام با کوله پشتی سفر می کردم!



«مهدوی نادر» که متولد ۲۷ مرداد ۱۳۵۲ در تهران و تحصیل کرده مترجمی زبان فرانسه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته روان شناسی تربیتی است، در شروع گفت و گو با ما از علاقه فراوان خود به جهانگردی می گوید: «از زمانی که ۸ یا ۹ ساله بودم، دو آرزوی بزرگ در ذهن داشتم. یکی این که جهانگرد بشوم. به خاطر دارم حتی در خواب هایم با کوله پشتی از سرزمین های خالی می گذشتم و این رویاها خیلی برای من جالب و جذاب بودند. یکی دیگر از آرزوهایی که از همان کودکی آن را دنبال می کردم، داشتن یک خانه دو طبقه بود که علاوه بر زندگی، در یکی از طبقات آن، پرورشگاهی تأسیس کنم. البته همزمان با کوهنوردی با یکی از موسسات خبریه آشنا شدم، موسسه ای که هدف از تشکیل آن کمک به بچه های یتیم برای گذراندن مراحل رشد و بورسیه تحصیلی آن ها بود و این اتفاق، زندگی من را خیلی تغییر داد و افتخار می کنم که ۳۰ سال است، مددکار داوطلبانه این خیریه هستم.»

از پیاده روی دور ایران تا سفر به آفریقا در ۲۳ سالگی

«مهدوی نادر» گفت و گویش را با تحقق ماجراجویی هایش در زمینه کوهنوردی و بعد پیاده روی به دور ایران و سفر به آفریقا ادامه می دهد: «۱۷ ساله بودم که کوهنوردی را به صورت جدی با رفتن به کوه های توجال تهران شروع کردم، به طوری که تنهایی دو سه روز در هفته به قله توجال می رفتم و در آن جامی ماندم. بین سنین ۲۳ تا ۲۵ سالگی، بیشتر نقاط ایران و پهناور را با پای پیاده سفر کردم و در همان سال هایک مجله تخصصی ایران گردی جهان گردی هم به نام «زمان» سفرهای من را پوشش می داد و این مطالب، مخاطب زیادی داشت. علاوه بر سفر دور ایران، در ۲۳ سالگی سفری هم به آفریقا داشتم و همین سن، آغاز جدی و رسمی جهانگردی من بود. جهانگردی از این نظر که توانست من را با افق های نو و زاویه های دید جدید و آداب و رسوم ملت های دیگر آشنا کند و این که به تعداد نفر از انسان های جهان، پنجره یک دنیای دیگر با او بیه دید متفاوت برابم گشوده شود، قابل توجه بود. مهم تر این که من را با زیبایی های آفرینش در تمام ابعاد آن آشنا کرد و همه این ها باعث تغییر و تحول در مسیر زندگی من شد. هر چیزی که باعث آسان تر شدن زندگی ام شد از تجربه های این سفرها یاد گرفتم. در تمام سفرهایی هم که داشتم متوجه یک نقطه اشتراک بین همه مردم جهان شدم و آن این که همه افراد مفاهیم رنج و غم و عشق و شادی را به خوبی درک می کنند و به نظر من اگر ما از طریق همین نقاط مشترک با مردم ارتباط برقرار کنیم، می توانیم به صلح و دوستی برسیم.»